

ترامپ و عادی‌سازی روابط بین عربستان و رژیم صهیونیستی

گرمی روابط بین عربستان و آمریکا در دوران دونالد ترامپ اساساً به لطف ترامپ در حق محمد بن سلمان در دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش بازمی‌گردد؛ زمانی که او بر قتل روزنامه‌نگار سعودی، جمال خاشقجی، در استانبول سرپوش گذاشت، قتلی که بن سلمان به‌وضوح در آن دست داشت. ترکیه به رهبری اردوغان، با هدایت ترامپ، او را تبرئه کرد و سپس، پس از آنکه بسیاری از رهبران جهان او را طرد کرده بودند، با توصیه ترامپ، دوباره به‌عنوان یک حاکم مشروع مورد پذیرش قرار گرفت.

بنابراین، عجیب نیست که ترامپ این بار مبلغ ۴۵۰ میلیارد دلار درخواست کند و سپس این رقم را به یک تریلیون دلار افزایش دهد، فقط برای اینکه از عربستان دیدن کند. چراکه او می‌داند که بن سلمان هیچ درخواستی را از او رد نمی‌کند؛ اول به این دلیل که مزدور آمریکا است و دوم به این دلیل که ترامپ همان کسی است که قبلاً از او حمایت کرده و همچنان نیز از او پشتیبانی می‌کند. بن سلمان کاملاً آماده است که هر دستوری را از ترامپ اجرا کند، نه فقط به این دلیل که او را ولی‌نعمت خود می‌داند، بلکه به این خاطر که ترامپ را حامی، تثبیت‌کننده قدرتش و ضامن آینده‌اش در سال‌های پیش رو می‌بیند.

اما بن سلمان، به دلیل ترس از آینده خود، به دنبال دریافت حمایت مستقیم آمریکا برای کشور و تاج‌وتختش است. او نگران هرگونه تهدیدی است که می‌تواند بقای نظام آل سعود را که در رأس آن قرار دارد، به خطر بیندازد؛ چه تهدیدی داخلی، چه خارجی. همچنین، او از این بیم دارد که مردم نجد و حجاز علیه حکومتش قیام کرده و این نظام را از ریشه برکنند. به همین دلیل، او از آمریکا می‌خواهد که یک پیمان امنیتی و دفاعی با عربستان منعقد کند، پیمانی که تضمین کند پادشاهی آل سعود از هرگونه تهدید وجودی در امان بماند، حتی اگر این تهدید در بلندمدت رخ دهد. این درخواست به‌عنوان یک پیش‌شرط برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی مطرح شده است. این درخواست، بارها و به‌صورت رسمی از دولت آمریکا مطرح شده است. در ۲۲ مه ۲۰۲۴، گزارش‌های خبری درباره امضای توافقنامه امنیتی-دفاعی بین آمریکا و عربستان منتشر شد. این گزارش‌ها پس از دیدار دیپلماتیک بین وزرای خارجه دو کشور، آنتونی بلینکن و فیصل بن فرحان، در حاشیه مجمع جهانی اقتصاد در ریاض منتشر شد. در این نشست، توافقنامه امنیتی دوجانبه بین عربستان و آمریکا به‌طور اولیه تصویب شد و به‌طور جدی به روند عادی‌سازی روابط بین عربستان و رژیم صهیونیستی گره خورد. همچنین، آمریکا عادی‌سازی روابط را مشروط به عدم خرید تسلیحات چینی توسط عربستان و کاهش سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و تجاری چین در این کشور کرده است.

اما از نظر عملی، موانع بزرگی برای امضای چنین توافقی وجود دارد: یکی اینکه تصویب این توافقنامه نیازمند رأی دوسوم اعضای کنگره آمریکاست که تحقق آن در هر رأی‌گیری بسیار دشوار خواهد بود. دیگر اینکه دولت بایدن عربستان را ملزم کرده است که رژیم صهیونیستی را وادار کند که با تشکیل یک کشور فلسطینی موافقت کند. این موضوع، در شرایط فعلی، کاملاً غیرممکن است، به‌ویژه با توجه به حضور دولت نتانیا‌هو. همچنین، در آینده نیز هر دولت دیگری در رژیم صهیونیستی به‌سختی این شرط را خواهد پذیرفت، به‌خصوص پس از آنکه کنست (پارلمان رژیم صهیونیستی) با اکثریت آرا از تمام طیف‌های سیاسی، تشکیل کشور فلسطین را غیرقابل‌قبول اعلام کرد.

علاوه بر این، عربستان از آمریکا خواسته است که به این کشور اجازه دهد یک برنامه هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز راه‌اندازی کند. این موضوع به‌شدت از سوی رژیم صهیونیستی رد شده و این رژیم به‌صراحت اعلام کرده است که با آن مخالف است، چراکه احتمال دارد این برنامه در آینده به مقاصد نظامی منحرف شود.

شاید ترامپ به جای فشار برای امضای یک معاهده کامل عادی‌سازی روابط، به ایجاد روابط محدود بین عربستان و رژیم صهیونیستی اکتفا کند، روابطی که به سطح امضای یک پیمان صلح رسمی یا معاهده عادی‌سازی کامل نرسد. ترامپ این موضع را در پاسخ به پرسش یکی از خبرنگاران درباره اینکه آیا او عربستان و رژیم صهیونیستی را به سمت عادی‌سازی روابط سوق خواهد داد، روشن کرد. او پاسخ داد: «فکر نمی‌کنم که نیازی به فشار آوردن باشد. فکر می‌کنم که این اتفاق خواهد افتاد، اما شاید نه در حال حاضر».

به نظر می‌رسد که در دوره دوم ریاست‌جمهوری‌اش، آنچه برای ترامپ بیش از همه اهمیت دارد، انعقاد قراردادهای مالی پرسود است، نه امضای توافقنامه‌های سیاسی پیچیده. اولویت اول ترامپ، مسائل اقتصادی است، نه سیاسی.